



کودک در رادیو

● معصومه شهبندی

برنامه‌هایی که بدون شناخت کافی از مخاطب کودک تولید می‌شود و روی آنتن می‌رود، کودک را جذب نمی‌کند و افرادی مانند من که در این حوزه فعالیت می‌کنند نیز با شنیدن این میزان ضعف، تنها حرص می‌خوریم. به کودکان باید حق بدهیم که شنونده برنامه‌های ضعیف رادیویی نباشند! کودک یک مخاطب خاص است، شناخت نیازها و علایق او و ساخت برنامه متناسب با او می‌تواند کودک را از طریق گوش جذب کند. باید تکلیف این امر مشخص شود که کیفیت مهم است یا کمیت. از لحاظ کمیت سال‌های گذشته میزان تولیدات بالا بوده است ولی از لحاظ کیفیت فکر می‌کنم حالا بیشتر مخاطب کودک شناخته شده و کارها سطح بالاتری دارند.

○ هم‌زمان با این تغییرات (از کمی به سطح کیفی) منحل شدن گروه کودک را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ واژه «منحل شدن» چندان مناسب نیست. گروه‌ها به یکدیگر ملحق شده‌اند و کودک که جزئی از خانواده محسوب می‌شود زیرمجموعه این گروه قرار گرفته است. من که بیش از ۳۵ سال است در رادیو مشغول کار هستم، زیرمجموعه قرار گرفتن گروه کودک را راهی برای پیشرفت و رشد می‌دانم. خدمات رفاهی ارائه شده به من از زمانی که زیر نظر گروه خانواده قرار گرفته‌ام

گفت‌وگو با عذرا و کیلی (تهیه‌کننده و سردبیر)

گفت‌وگو با عذرا و کیلی تهیه‌کننده برنامه سلام کوچولو با هدف ارزیابی و شناختی هرچند مختصر در باب رابطه کودک با رادیو، و میزان ارزش و بهایی که در ساخت برنامه‌های رادیویی به شنوندگان کودک داده می‌شود صورت گرفت. از چهره مهربان خانم و کیلی به خوبی می‌توان فهمید عاشق بچه‌هاست و بچه‌ها نیز با دیدن و شنیدن این مهربانی جذب او می‌شوند. آغاز گفت‌وگو با بررسی قابلیت‌های رادیو برای کودک شروع شد.

○ از آنجایی که کودک امروز از امکاناتی چون رایانه و انواع بازی‌ها، تلویزیون و ماهواره استفاده می‌کند، رادیو برای جذب کودک بار سنگینی بر دوش می‌کشد و خیلی ریزبینانه، دقیق و موشکافانه باید به موضوع نگاه کند. رسانه رادیو که تصویر و رنگ ندارد باید با صدا رنگ‌آمیزی کند تا کودک را به سمت خود بکشد. با توجه به این سختی‌ها در جذب کودک، رادیوی ایران چقدر در این امر تلاش کرده است و شما روند کار را چگونه می‌بینید؟

□ برنامه‌های رادیویی کودکان که در سال‌های قبل تولید شده، به لحاظ کمیت بیشتر از حال بوده است اما کارها ضعیف بودند.

بیشتر شده است. داشتن خط تلفن مستقیم، هماهنگی و ارتباطات، پذیرایی از مهمانان و... باعث سهل شدن روند کار من هم شده است.

○ دیدگاه شما در مورد ملحق شدن گروه کودک مثبت و امیدوارانه است. آینده برنامه‌های کودک را در گروه کودک چگونه می‌بینید؟

□ امیدوارم روند روبه‌رشدی داشته باشد. کار باید آغاز شود ولی این بار کارشناسانه و دقیق. گروه کودک گنجایش آن را ندارد که با ارائه برنامه‌های ضعیف بار دیگر زمین بخورد و دوباره بلند شود. ضعف برنامه‌ها در سال‌های اخیر کافی است و باید فرصت را از دست نداد.

○ چگونه کودک به سمت رادیو کشیده می‌شود و از نظر شما در حالت ایده‌آل در رادیو برای کودک چگونه باید برنامه‌سازی کرد که بیشترین مخاطب را جذب کند؟

□ فراهم کردن دنیای شاد برای کودک یکی از هدف‌های ساخت برنامه رادیویی برای اوست. برای رسیدن به نقطه اوج جذب مخاطب کودک باید ارتباطی عمیق با خانواده به ویژه مادران صورت بگیرد، چراکه روشن کردن رادیو و پیدا کردن موج مورد نظر از عهده کودک بر نمی‌آید. نحوه استفاده از تلویزیون و روشن کردن آن برای کودک سهل‌تر است و در مرحله دوم و بعد از جذب مادر کودک، اثرگذاری و پسند برنامه‌ها برای کودک مطرح می‌شود. به همین دلیل است که در برنامه سلام کوچولو حتی از مادرها نیز در استودیو دعوت می‌شود و برنامه طوری پیش می‌رود که کودک به تنهایی مخاطب نباشد.

○ کودکان نسل به نسل از یکدیگر متفاوت هستند، از نظر شما که سال‌ها برای کودکان برنامه می‌سازید روند برنامه‌ها با تغییر نیازها و خواسته‌های کودکان تغییری کرده است؟

□ دگرگونی در برنامه سلام کوچولو اتفاق افتاده و خواهد افتاد. به طور مثال امسال برنامه آموزش قرآن به کودکان از طریق رادیو برای اولین بار اجرا شد و با استقبالی بیش از حد انتظار مواجه شدیم. در این دوره آموزشی، حفظ سوره به علاوه معنا مطرح بود که پس از پایان برنامه هم بسیاری از مادرها ارزیابی مثبتی در این زمینه داشته‌اند. با این برنامه کودک قرآن آموخت و از طرفی مادران نحوه آموزش قرآن به کودک و تشویق او به فراگیری قرآن را آموختند و نیز مربی‌های مهدکودک هم بهره بردند.

○ برنامه‌های کودک رادیو در حال حاضر چیست؟ فکر نمی‌کنید یکی از دلایلی که کودکان به برنامه رادیویی توجه نمی‌کنند نبود تولیدات رادیویی برای مخاطب کودک باشد؟

□ به تازگی فعالیت‌هایی را شبکه سلامت و صدای آشنا آغاز کرده‌اند، اما برنامه سلام کوچولو علاوه بر جذب کودکان به علت شادی، حتی زنگ تفریحی برای بزرگسالان است.

در حال حاضر چندین طرح پیشنهادی به مدیر گروه داده‌ام و یکی از طرح‌ها در زمینه نوجوانان بود که مستلزم همکاری با

آموزش و پرورش است. در این طرح، برنامه برای نوجوانان در ساعات‌های زنگ تفریح به صورت همگانی و سراسری پخش می‌شود. حتی می‌توان هر روز از یک مدرسه به همراه معرفی بچه‌ها و فعالیت‌هایشان برنامه را تولید کرد و در پایان نه ماه تحصیلی، مدرسه‌ای را نمونه و برنده معرفی و هدایایی اهدا کرد.



باید در نظر داشت برای کودکان این زمانه باید به زبان این زمان قصه گفت. در داستان‌های قدیمی ما، یک خیر و یک شر بود، اما این روزها کودکان قهرمانان دیگری را می‌شناسند و برایشان جذابیت دارد. تعریف قصه در آن قالب است که می‌تواند کودک را جذب کند.

○ بچه‌ها عاشق قصه‌اند، چون قصه‌ها آنها را بیش از هر چیز دیگری در دنیای خیال‌آمیز کودکان می‌برد. رادیو به عنوان یک رسانه کور که قدرت آفرینش تخیل بالایی دارد رسانه‌ای مناسب برای قصه‌گویی است، نظرتان در مورد ساخت برنامه با محتوای قصه چیست؟

□ قصه‌گویی خاص رادیوست، ولی در رادیو باید مراقب بود طولانی بودن برنامه شنونده را خسته نکند. کارشناسان معتقدند اگر قصه‌ای طولانی باشد، برنامه مخاطب‌گریز می‌شود. برای همین قصه‌گویی باید مملو از شگردهای جذب و نگه‌داشتن مخاطب باشد. اگر روزی برنامه‌ای از تلویزیون پخش شود که بدون دیدن تصویر و تنها با شنیدن صدا بتوان آن را فهمید آن برنامه موفق

نخواهد بود و تنها یک برنامه رادیویی است.

○ با توجه به این موضوع که قصه به طور خاص در میان کودکان محبوبیت بسیاری دارد و قصه آمیزه‌ای از تخیل است و رادیو نیز رسانه‌ای تخیل‌زا، آیا شما در این زمینه طرحی داشته‌اید؟

□ برای هر کاری ابتدا بسترسازی مهم است. کودکان این نسل از قصه دور شده‌اند، اول باید به مادران قصه گفتن به کودکانشان را آموخت تا هنگام خواب یا غیره برای بچه‌ها قصه بگویند. در مرحله بعد کودک به شنیدن قصه عادت می‌کند و برایش مهم می‌شود. رادیو در هر دو مرحله آموزش به مادران (درباره کودک) و قصه‌گویی به بچه‌ها (برای کودکان) می‌تواند کارایی داشته باشد. البته باید در نظر داشت برای کودکان این زمانه باید به زبان این زمان قصه گفت. در داستان‌های قدیمی ما، یک خیر و یک شر بود، اما این روزها کودکان قهرمانان دیگری را می‌شناسند و برایشان جذابیت دارد. تعریف قصه در آن قالب است که می‌تواند کودک را جذب کند.

○ چرا قصه در رادیوی ما کم است؟

□ کاهش تولید در زمینه قصه‌گویی و حذف آن شاید به این علت بوده است که مقامات بالا احساس کرده‌اند که قصه مخاطب خود را از دست داده است.

○ از سلام کوچولو و کار کردن با کوچولوها بگویید؟

□ کار کردن با بچه‌ها خیلی سخت است و باید آنها را درک کرد تا بتوان کار را ادامه داد به‌ویژه که بچه‌ها سواد خواندن متن را ندارند و در نتیجه برنامه سلام کوچولو بیشتر بر پایه دادن سوژه و در ادامه فی‌البداهه ضبط می‌شود و همین باعث می‌شود برنامه تولیدشده یک مستند باشد که حرف‌های طبیعی و عادی در آن گفته می‌شود و خیلی اوقات حتی اشتباه‌ها را ادیت نمی‌کنم.

○ با توجه به این نکته که شما با کودکان کار می‌کنید و احتمال خطا در ضبط بالاست و از طرفی امکان ادیت صدای دیجیتالی

بیشتر است، چرا به سمت ضبط دیجیتالی نمی‌روید؟

□ روش کار قدیمی را دوست دارم، چون کار دیجیتالی بلد نیستم، و چون می‌خواهم دنیای طبیعی بچه‌ها را بازنمایی کنم اشتباه‌ها آن قدر اهمیت ندارند که به سمت صدای دیجیتال بروم. شاید اگر یاد بگیریم، برایم ساده‌تر باشد اما کیفیت ریل و راحتی‌اش را می‌پسندم.

○ درباره ABU و برنامه صدای شادی و توجه دیگر کشورها به این برنامه بگویید؟

□ این برنامه را طوری ساختیم که برای مخاطب نابینا باشد و در عین حال بچه‌های بینا هم بتوانند استفاده کنند. موضوع برنامه درک و فهماندن معنای «هوا» برای کودک نابینا بود و نقش اصلی را هم یک کودک نابینا به نام «علی» بازی می‌کرد. دلیل موفقیت این برنامه دنیای شادی بود که برنامه برای شنوندگان ایجاد می‌کرد. در این برنامه به خوبی تخیل در فضا سازی دخیل بود تا حدی که وقتی بچه‌ها با دکنک‌ها را باد می‌کردند داوران و حضار در جلسه

به قدری غرق در برنامه بودند که گوش‌های خود را از شنیدن صدای ترکیدن بادکنک‌ها گرفته بودند و این یعنی توانایی و قدرت تخیل رسانه در فضا سازی.

▽ ▽ ▽

گفت‌وگو با مریم جلالی

(مدیر گروه خانواده رادیو ایران)

از اینجا شروع شد که «کودکان ایران رادیو ندارند!»، خانم وکیلی ستاره‌ای است در شب تاریک رادیو کودک، برای گفتن و شنیدن! استودیوی سلام کوچولو پر از شور و نشاط بچه‌هاست. همین است که هرکس با بچه‌ها کار می‌کند با همه سختی کار و سروکله زدن با بچه‌ها باز هم شاداب‌تر از دیگر همکاران خود است.

وقتی سؤال‌ها درباره کار کودک و تجربه‌ها و برگزیده جشنواره ABU است خانم وکیلی در گذر از ۳۰ سال تجربه، حرف‌های بسیار برای گفتن دارد، اما وقتی به اهداف رادیو برای کودک و نقش کم‌رنگ آن سؤال می‌کنم «سکوت و نمی‌دانم» می‌شود پاسخ. اما جواب‌ها به اینجا ختم نمی‌شود. همان موقع با هم به اتاق مدیر گروه خانواده، خانم جلالی، می‌رویم تا بدانیم کودک در این خانواده چه برای شنیدن دارد؟ موضع تند است، خانم جلالی دوست ندارد در مورد گذشته سؤالی پرسیده شود، می‌خواهد از آینده بگوید. در مدت کوتاه مدام مؤاخذه می‌شوم به اینکه همچو همه گزارشگرها از منحل شدن گروه کودک و جمع شدن برنامه شب‌بخیر کوچولو می‌پرسم و اینجاست که خانم جلالی رگبار گله‌هایش آغاز می‌شود و یک سؤال از همه حرف‌ها می‌شود آغاز یک گفت‌وگوی دوستانه برای آنچه کودک رادیو می‌تواند در انتظار شنیدن آن در سال ۸۶ بماند.

وقتی برنامه شب‌بخیر کوچولو قطع شد کسی زنگ زد اعتراض کند و بخواهد بگوید چرا این برنامه دیگر پخش نمی‌شود؟ نه. شب‌بخیر کوچولو خاطره‌ای شیرین در ذهن بزرگ‌ترهاست تا بچه‌های این نسل. به جای نیش قبر گذشته و آنچه بر سر گروه کودک آمد توجه خود را به آنچه می‌خواهیم انجام دهیم، جلب کنیم.

آنچه در ادامه می‌خوانید دیدگاه گروه خانواده به عضو کوچک خود کودک است.

○ در چشم‌انداز سال ۸۶، مخاطبان برنامه‌های گروه خانواده به دو بخش عام که شامل تمام خانواده‌های ایرانی و مخاطبان خاص: کودک، نوجوان و زنان تقسیم شده است. بچه‌ها که طیف گسترده‌ای از چهار تا ۱۸ سال را در بر می‌گیرند در گروه خانواده چه جایگاهی دارند؟

□ اگر قرار باشد محوریت کار برای کودک باشد، ما گروه اختصاصی کودک نیستیم بلکه کودک را درون خانواده می‌بینیم. دو گونه برای کودک برنامه خواهیم ساخت: یکی برنامه برای

کودک و دیگری درباره کودک. این دو مورد هر یک طبقه بندی خاص خود را دارد.

وقتی برای کودک برنامه می سازیم باید وجوه برنامه سازی در رادیو را در نظر بگیریم، رادیو تا چه اندازه می تواند برای کودک مفید باشد؟ وقتی می گویم کودک شامل گروه های سنی کودک خردسال و نونهال و ... می شود، در نتیجه برنامه سازی برای آنها متفاوت است. ولی آنچه مدنظر ماست این است که رادیو چقدر قابلیت دارد تا برای کودک برنامه بسازد.

سعی اصلی ما در برنامه های کودک بر افزایش «سواد شنیداری» است. رادیو در گذشته رسانه ای منحصربه فرد بود، اما الان رسانه هایی که در اطراف کودک است با کارکرد بالای تصویری کودک را جذب می کند و رنگ برای او اهمیت بیشتری دارد تا صدا. اگر بخواهیم عزم خود را روی آموزش بگذاریم، باخته ایم! دیگر کسی رادیو گوش نمی دهد که چیزی یاد بگیرد، بنابراین ما نیروی خودمان را روی افزایش سواد شنیداری گذاشته ایم و می خواهیم قوت شنیدن کودکان را بالا ببریم.

می آید. این به گونه ای تلقیح هویت است و نوعی خودیابی اتفاق می افتد که هدف پنهان ماست.

کارهای اجرایی انجام شده و سنین مختلف در نظر گرفته شده است. آنهایی که می توانند کتاب بخوانند برای کوچک ترها قصه می گویند و به بچه های کوچک تر از خود قصه می گویند.

رادیو مخاطب کودک فعال ندارد. کودک خود نمی تواند رادیو را روشن کند. باید اول خانواده را تحت تأثیر قرار دهیم تا آنها رادیو را برای کودک روشن کنند.

این جمله فلسفه خوبی برای ادغام گروه کودک در خانواده می تواند باشد، با این تدبیر کسانی مثل خانم و کیلی که احساس می کنند کار در گروه خانواده برای کودک مزایای بیشتری دارد، راحت تر کار می کنند. همچنین این مخاطب غیرفعال که خود توانایی استفاده از رادیو را ندارد می تواند با افزایش شوق مادر و پدر، رادیو و برنامه های خود را بشنود.

در مورد برنامه های درباره کودک قصد اصلی تأکید بر نقش و جایگاه کودک در خانواده است، یعنی دیدگاه متعادلی که نه به سمت فرزندسالاری کشیده شود و نه والدین سالاری باشد، بلکه دیدگاه دموکراسی حاکم باشد.

کودک جزء موضوعات است، ولی نوجوانان نه. اما بحث نوجوان مزیتی برای رادیو سراسری است چرا که هیچ شبکه ای به این حوزه نپرداخته است.

روزی برای ما برنامه ای است که توسط خود نوجوانان تهیه می شود، قبلاً هفته ای یک بار پخش می شد و در سال جدید تصمیم بر این است که هرروز پخش شود. در آن، مسائل مختلف نوجوانان حرف های نوجوانان و نگاه نوجوانان مطرح می شود و در واقع این برنامه صدای نوجوانان است با رویکرد هویت بخشی به نوجوانی که یک دوره گذر را طی می کند.

البته کار در این حوزه به بعضی موضوعات تنه می زند که به گروه های دیگر مربوط می شود، مثلاً تغذیه کودک زیرمجموعه گروه دانش قرار می گیرد. گروه خانواده این بدی را دارد که در مورد موضوع های مختلف گروه های دیگر مدعی می شوند. ما تابع محدودیت های شبکه هستیم خانواده از حیث موضوعات می تواند یک شبکه باشد ولی ما نمی توانیم زیاده خواهی کنیم. محدودیت در حوزه کنداکتور است. ما یک هدف پنهان داریم و آن تبیین راه کارهای خاص برای گروه های دیگر است.

آنچه خواندید جایگاه کودک در گروه خانواده در چشم انداز سال ۸۶ بود: توجه به طیف گسترده کودکان و دیدی نو در زمینه قابلیت سواد شنیداری و خودیابی و هویت یابی کودک و نوجوانان در رادیو. شنیده شدن و مهم تر از اینها استفاده از خود کودک و نوجوان برای برنامه سازی از مزایای گفته های خانم جلالی و گروه

خانواده از حیث موضوعات می تواند یک شبکه باشد ولی ما نمی توانیم زیاده خواهی کنیم.

محدودیت در حوزه کنداکتور است. ما یک هدف پنهان داریم و آن تبیین راه کارهای خاص برای گروه های دیگر است.



افزایش سواد شنیداری و همچنین رشد قوه تخیل عرصه ای است که رادیو برای کودک می تواند کارایی داشته باشد. ریتم، ملودی های مختلف، کارهای موسیقایی و استفاده از کلمه های مختلف و حرف زدن به زبان کودکانه باعث می شود از حیث شنیداری قوی شود.

رشد قوه تخیل وارد حوزه قصه گویی می شود. در این حیطه سنت و روند گذشته رادیو را که گفتمان مادر بزرگ و مادر محور است پیش نمی گیریم، در سال جدید به جای اینکه یک مادر بنشیند و یک طرفه به بچه ها قصه بگوید می خواهیم خود بچه قصه بگوید. هدف اول این است که سواد شنیداری و قوه تخیل بالا رود و هدف دیگر اینکه اعتماد به نفس کودک نیز تقویت می شود. بچه ها صدای خود را از رادیو می شنوند و رسانه به کمک ارتباط اجتماعی

خانواده بود. اما اینها فعلاً بر روی برگه‌های کاغذ، و در فکر و اندیشه است. در اکنون و حال جایگاه کودک در رادیو خیلی کم‌رنگ است.

۷ ۷ ۷

گفت‌وگو با مریم نشیبا (گوینده شب‌بخیر کوچولو)

وقتی حرف می‌زند ناخودآگاه دوست دارم چشم فروبندم و دست از نوشتن بکشم و تنها به «صدا» گوش دهم. مهر صدای او مرا تا خاطرات کودکی می‌برد. با اینکه آن وقت‌ها هم آن قدرها بچه‌خوبی نبودم که بخواهم با قصه‌های او ساعت‌ها شب بخوابم، اما مهربانی مادر بزرگ‌گونه‌اش آرامش‌بخش است. شب‌بخیر کوچولو می‌توانست پیوندی برای آشنایی کودک با رادیو باشد، به او بیاموزد و او را تا به رؤیایا برد. نمی‌دانم تعداد برنامه‌های کودک رادیو انگشت‌شمار است که از هرسو می‌رویم به همین‌ها می‌رسیم، یا صدای مریم نشیبا ماندگار است؟!

روزی تصمیم به حل مسئله مخاطب کودک گرفته شد اما تصمیم تغییر بود نه حذف کل صورت مسئله. نمی‌دانم چرا به اینجا رسید که سه سال است برنامه شب‌بخیر کوچولو به کل کنار گذاشته شده. کودک امروز الفتی با رادیو ندارد چون در رادیو جایگاهی ندارد.

وقتی می‌شنوم مریم نشیبا در صدای آشنا قصه می‌گوید با حسرت می‌گویم پس بچه‌های ایرانی چه؟! مطمئناً دنیای بچه‌ها از سال ۱۳۶۹ که این برنامه کار خود را شروع کرد تا حالا خیلی تغییر کرده است، اما اگر کودک آن روزها دلش قصه شب می‌خواست کودک این روزها هم مناسب دنیای امروزش می‌تواند شنونده قصه رادیو باشد. چطور ما می‌توانیم قصه را برای کودک آن سوی آب‌ها با دنیای کاملاً متفاوت از سال ۶۹ و ۸۶ خود بسازیم، اما برای کودک ایرانی نه؟! مریم نشیبا گوینده برنامه شب‌بخیر کوچولو گفت‌وگو را خیلی امیدوارانه شروع می‌کند:

□ برای بچه‌های ایرانی داخل کشور برنامه‌ای ندارم برای خارج از کشور آی قصه قصه قصه را دارم ولی ته دلم خیلی روشن است و به من می‌گوید مریم غصه نخور؛ دوران دوری از شب‌بخیر کوچولو تمام شده و شاید به شکلی دیگر بتوانیم باشیم.

○ برای کودک ایرانی این روزها کاری می‌کنید یا نه؟

□ آقای دکتر خجسته معتقد بود در این قالب برای بچه‌های امروزی که از امکانات بهره‌مند هستند نمی‌شود قصه گفت، باید سعی کنیم محتوایش به‌روز باشد. مسئولان گروه استقبال نکردند و دوران فترت پیش آمد. اما ته دل من می‌گوید درست می‌شود.

○ مطمئناً شما به‌عنوان گوینده مسئول پاسخ‌گویی به چرایی نیستید ولی به‌عنوان عضوی از گروه شب‌بخیر کوچولو برای

خودتان سؤال پیش نیامد که بدانید چرا بی‌گیری نشد؟

□ برای من بسیار دشوار بود، من غیرمستقیم پی بردم که از کنداکتور حذف شده و رفته در لیست خاکستری برنامه‌ای که باید اوت شود یا اگر بیاید، با شکلی دیگر. من به‌عنوان آدمی که به کارم بسیار عشق می‌ورزیدم، باورم نمی‌شد این بچه به مادرش تا این حد بی‌تفاوت باشد. مثل این است که من ندانم بچه‌ام می‌خواهد ازدواج کند یا برود خارج از کشور. من خیلی مورد بی‌مهری قرار گرفتم! ضمن اینکه من عددی نیستم، اما ای کاش حرمت موی سفید من را نگه می‌داشتند. به‌همین دلیل عکس‌العمل خیلی شدید بود. واقعاً افسارگسیخته شده بودم مثل مادری که بچه‌اش را از او گرفته بودند به هر وسیله‌ای چنگ زدم. باید این را بگویم که یک علقه و عشق بین من و شب‌بخیر کوچولو بود من آن را به خاطر خودش دوست داشتم. من از آن برنامه نبریدم تمام لحظات تنهایی من با شب‌بخیر کوچولو می‌گذرد. من دورادور عاشق‌اش هستم و تحت هر شرایطی دوستش دارم. او گنه‌کار نیست، تحت شرایط و اجبار، من را ترک کرد.

○ آیا می‌توان گفت شب‌بخیر کوچولو به شکلی دیگر در برنامه آی قصه قصه تبلور یافته است؟

□ در شب‌بخیر کوچولو فقط من بودم، مثل مادر بزرگی که نوه‌اش را روی پا خوابانده و قصه می‌گوید. در آی قصه قصه فضا متفاوت است، من راوی قصه هستم و نوه‌ام با شخصیتی به‌نام «گلاب» قاطی قصه می‌شود و هر سوژه‌ای که من می‌گویم بازیگران نمایش می‌دهند. مشابهت‌هایی دارند ولی تفاوت‌هایی هم هست، من راوی هستم و دیگران اجرا می‌کنند.

○ وقتی برنامه شب‌بخیر کوچولو حذف شد، گفتند قالب برنامه باید تغییر کند. اگر قالب قصه‌گویی تغییر کرده، چرا در ایران نباید پخش شود؟

□ زمانی که کار آی قصه قصه به من پیشنهاد شد آقایان جلیل‌وند و مافی و فرزاد جمشیدی در مکه بودند و شب‌بخیر کوچولو به‌عنوان خواست و آرزو در ذهن آمد که از آنها بخواهم دعایی برایم بکنند و بخواهند شب‌بخیر کوچولو به کالبد مرده‌اش بدمد. فردای آن شب، آقای معدن‌کن را در راهرو دیدم به من گفت به ما افتخار می‌دهید برایمان قصه بخوانید؟ من شروع کردم به گریه کردن و گفتم دیشب از اوس کریم خواستم.

یاد متن گفت‌وگو با مریم نشیبا در روزنامه شرق به تاریخ شنبه اردیبهشت می‌افتم با عنوان «سلام خانم شب‌بخیر کوچولو!» آنجا هم از مهر مادری‌اش به این برنامه گفته بود و از خاطره پذیرش کار آی قصه قصه. اینها همه خاطراتی است که از یاد او نمی‌رود. می‌گوید:

□ بچه‌های ایرانی که خارج از کشور به دنیا می‌آیند زبان سوم و چهارمشان فارسی است. مادر و پدرها در خانه‌ها برای اینکه به زبان اصلی واقف شوند ممکن است فارسی کمتر حرف بزنند. من آنچنان نیازی به شکل‌گیری این برنامه نمی‌دیدم، اما ظاهراً این‌طور

که شنیدم جذاب و مورد توجه بوده است. بچه‌های آن دیار را به شکلی با سنت‌های خود و دیگر کشورهای جهان آشنا می‌کنیم، ضمن اینکه بچه‌های خودمان می‌توانند یک برنامه با این محتوا داشته باشند.



انگار تمام ایران تهران است و تمام تهران از میدان ونک بالاتر، در حالی که درصد کمی از امکانات روز بهره‌مند هستند. شهرستان‌هایی داریم که بچه‌هایشان حتی یک کتاب قصه ندارند. سوژه «قصه» بهانه بود تا بچه را بنوازم.

○ شما که خودتان جزو گروه برنامه شب‌بخیر کوچولو بودید چرا پی‌گیری نکردید تا برنامه با قالب و محتوای دیگری دوباره شروع به کار کند؟

□ متولی نداشت و من هم زخم خوردم و آقای کاظم‌زاده سمتشان تغییر کرد و گروه پاشیده شد. وقتی گروه کودک برداشته شد متولی هم نداریم و مسئول هم نداریم.

○ اما این گروه در گروه خانواده ادغام شده است!

□ حالا که گروه کودک ادغام شده مهم نیست در گروه دانش و سیاست باشد یا گروه خانواده. مهم این است که تشخیص بدهند

این برنامه می‌تواند سر جای خودش بازگردد. انگار تمام ایران تهران است و تمام تهران از میدان ونک به بالاست! در حالی که درصد کمی از امکانات روز بهره‌مند هستند. شهرستان‌هایی داریم که بچه‌هایشان حتی یک کتاب قصه ندارند. سوژه قصه بهانه بود تا بچه را بنوازم!

○ درست است اگر بگویم با مخاطب برنامه شب‌بخیر کوچولو خیلی بیشتر دوست داشتید ارتباط برقرار کنید تا مخاطب کودک رادیو صدای آشنا؟

□ من دلم می‌سوزد این انرژی و هزینه صرف حرکت برای کودکانی می‌شود که همه‌جور امکانات در اختیار دارند. با صرف فقط نصف این سرمایه‌گذاری می‌توانیم برای بچه‌های خودمان برنامه‌ای عالی داشته باشیم. در این برنامه با همان شیوه که با ایرانی‌های داخل صحبت می‌کردم، می‌کنم. من کم نمی‌گذارم. بچه بچه است، با هر پوست و نژاد. اما آن بچه آن قدر جذب امکانات و تفریحات و سرگرمی هست که این برنامه جزء خیلی کوچکی برای اوست. بچه ما که صبح رفته سر کلاس و بعد در مزرعه و آخر شب می‌آید سر کرسی دو خط مشق بنویسد، برایش خیلی خوشایند است که در یک رادیوی کوچک دموجی یکی می‌گوید: «عزیزم! قربون دستای حنایت برم...»

شب‌بخیر کوچولو نفس من بود، مایه پز من بود. هرکجا که می‌روم، این همه برنامه رادیویی دارم، اما همه می‌گویند شب‌بخیر کوچولو در سربازی و جنگ و... یک چیز دیگر بود.

○ دیدگاه آدم‌هایی که بعد از توقف برنامه شب‌بخیر کوچولو می‌دیدید چه بود؟

□ در ایسنا و روزنامه‌های مختلف، جام جم و شرق و... انعکاس داشت. چطور ممکن است برنامه‌ای با این عظمت این طوری بشود؟! اما دکتر خجسته به من گفت: نشیبا، من پنج سال پیش می‌خواستم از کنداکتور خارج کنم؛ چون تو عشق می‌ورزیدی، ماند؛ فعلاً تصمیم ما این است که این برود؛ بعداً آن را راه می‌اندازیم....

شب‌بخیر کوچولو در نخستین جشنواره رادیو به عنوان برنامه برتر انتخاب شد و در دومین جشنواره مریم نشیبا به عنوان گوینده برتر شناخته شد. کودکان امروز که چیزی از او به خاطر ندارند. کودکان دیروز هم که در یاد خود خاطر شیرین او را گذر می‌کنند و رادیو همچنان منتظر است، منتظر روزی که شب‌بخیر کوچولو با قالب و شکلی دیگر دوباره قصه بگوید.

منبع:

«سلام خانم شب‌بخیر کوچولو (گفت‌وگو با مریم نشیبا، گوینده پیشکسوت رادیو)» (۱۳۸۵/۲/۲۳)
روزنامه شرق:

<http://sharghnewspaper.com/850223/html/radio.htm>

۷ ۷ ۷